

کتاب «منطق وضعی» مؤلفه دکاتورز کی نجیب محمود
را که جناب محترم پوهاند مجددی از عربی بزبان دری ترجمه
نموده اند، مطالعه کردم. یگانه کتابی است حاوی مسایل جدید
منطق که دانشمندان غرب در انکشاف آن سعی کرده اند.
پندارم کتابی بدین شرح و تفصیل به انوارت پیدا شود.
مترجمش تنکر الله سعید رحمت زیاده و احتمال تلمذ
تألیف کتاب فخریم را از انسانی به انسانی جوگر بعد از روان
و عرفانی پس چارچاق انسان بنی داده است. مطالعه این کتاب
به هدیه دانش دوستان، به شخص به محققان دانش و منطق
بسی مورد نیاز است.

«عبدالحق پناه نجیب»

جلد اول کتاب «منطق وضعی» تألیف دکاتورز کی نجیب محمود،
ترجمه پوهاند غلام حسن مجددی، به عیادت نشرات سرویت نشرات
پوهنشی دریات و تعاریف بشری، تازه از طبع برآمده، علاقه مندان میسرانند
در پندار قیمت و سبب از سایر نشرات بدینست بیاورند.

از تجربه حاصل میگردد و برای معلوم نمودن صدق و کذب آن به جهان خارج رجوع می شود. اگر با واقع خارجی که قضیه بمنظور نمایش دادن آن ترکیب شده مطابق بود، به قضیه صادق گفته می شود ورنه کاذب محسوب میگردد.

در غیر این دو صورت قضیه بی معنی بوده به قالب میان تهی شباهت دارد. از نظر فلاسفه وضعی منطقی قضایای تحصیل حاصل یقین را بیار می آورند یعنی نتایج منطق و علوم ریاضی یقینی است، اما قضایای ترکیبی که در علوم طبیعی نمایان میگردند دارای احتمال بوده و هرگز به مرحله یقین نمی رسند. به قول مؤلف کتاب منطق وضعی جدا کردن قضایای علوم ریاضی و منطق از قضایای علوم طبیعی از کشف های ارزنده ای است که نصیب مکتب وضعی منطقی گردیده است. ولی نباید فراموش کرد که دیو ده-یوم (David Hume) در قرن هفدهم نیز به چنین نتیجه ای رسیده بود چه او کتبی را که از استدلال راجع به مقدار (quantity) و یا عدد (Number) یا از استدلال تجربی متعلق به حقایق واقعی (Matter of Fact) خالی می بود، سزاوار سوختن می پنداشت (1) از آنچه گذشت معلوم می شود که در باب فلاسفه وضعی منطقی نظریات فلسفی تازه ای بارمغان نیاورده. بلکه از طریق تحلیل منطقی بروشن ساختن نظریات موجود پرداخته اند.

نظر فلاسفه وضعی منطقی راجع به مشکل معرفت (Epistemology) اینها حس را منبع معرفت میدانند و از عقل بدان مضمهرم که در نزد عقلیون (Rationalists) داشت انکار کردند. دیکارت (2) که از فلاسفه عقلی در دوره جدید بود پس از تجارب زیاد بدین نتیجه رسید که نمی توان بر صحت معلومات حسی اعتماد کرد، بطور مثال: او ملاحظه نمود که برجی در قبال بیننده از دور مدور و از نزدیک مربع معلوم میشود و این تفاوت راناشی از اشتباه حواس ظاهری دانست و همچنان وی ملاحظه نمود که اگر یکی از اعضاء کس بریده شود برخی از اینگونه اشخاص معیوب دردی در عضو بریده خود

1- An introduction to modern philosophy by Albury Castell, P. 197

۲- این موضوع از کتاب اساس الفلاسفه اثر دکتر توفیق الطویل ص ۲۸۱ و ۲۸۲ نقل شده.

مسائل چه نتایجی را بدست آورده و کدام حلی را عرضه کرده‌اند. این گروه فلاسفه را عقیده بر این است که شرح و تفسیر جهان از وظیفه علوم طبیعی (Natural sciences) بشمار میرود و آنچه از معرفت درباره انسان میسور است از طریق علوم بشری (Humanistics) بدست می‌آید بنابراین بجز از تحلیل منطقی الفاظی که مردم در حیات روزمره خود بکار می‌برند و یا علماء در مباحث علمی خویش استعمال میکنند موضوعی دیگر برای فلسفه باقی نمی‌ماند و روی همین نظر است که «وتگشتین» مؤسس فلسفه وضعی منطقی وظیفه فلسفه را در واضح ساختن منطقی افکار (The logical Clarification of Thoughts) میدانند. (۱)

بنابراین فلاسفه مکتب وضعی منطقی بحث خود را از قضیه آغاز می‌کنند و آنرا بحث واحد فکری و یا حداقل سخن مفهوم مورد مطالعه قرار میدهند و قضیه آن است که دارای احتمال صدق و کذب باشد و از نظر فلاسفه وضعی منطقی بدو دسته تقسیم می‌شود یکی قضیه تحلیلی و یا تکراری (Analytic Proposition) و دیگری (Synthetic Proposition) ترکیبی. قضیه تحلیلی و یا تکراری عبارت است از حکم اولی قبلی (A priori) یعنی از راه تجربه بدست نمی‌آیند و در اینگونه قضایا یک عبارت به مساوی آن تعریف می‌شود، مانند زنان شوهر مرده. شوهر دار بود و یا $2+2=4$ در قضیه اولی محمول جزء تعریف موضوع بوده و در دومی در حقیقت $2+2$ بالفظ 4 که مساوی آن است تعریف شده است. اینگونه قضایا، معلومات تازه‌ای را اضافه نمیکنند و روی همین اصل است که بسد آنها تحصیل حاصل (Tautology) گفته می‌شود و قضایای علوم ریاضی و منطق از اینقسم بوده، در هر زمان و مکان صادق می‌باشند و میزان صدق آنها عبارت است از انسجام و هم آهنگی فکر با خودش یعنی قانون عدم تناقض (Non-Contradiction). قضیه ترکیبی واقع خارجی را تصویر میکنند و محمول آن در موضوع اش مندرج نیست، بنابراین معلومات جدید را بیان میکند، اینگونه قضیه بعدی (A posteriori) است، یعنی پس

حاصل است و نه قضیه ترکیبی که بتوان صدق آنرا از طریق مطابقت با واقع خارجی معلوم نمود.

معیار حق از نظر فلسفه وضعی منطقی:

در فلسفه وضعی منطقی برای پی بردن به معانی عبارات از مبدأ تحقیق (Principle of verification) استفاده می شود و بدین وسیله فلسفه وضعی منطقی معلوم می کنند که آیا الفاظ و عباراتی را که مردم در حیات روزمره و علماء در مباحث علمی بکار می برند دارای معنی است و یا نه. توان صدق و کذب آنها را محقق ساخت. چون قضیه از نظر آنان بدو دسته تحلیلی و ترکیبی تقسیم میشود، صدق دسته اولی را از روی مبدأ عدم تناقض و صدق دومی را از طریق تجربه حسی معلوم می کنند و در این مورد از نظر آنها ضروری نیست. که تحقیق عملاً ممکن باشد و کفایت میکند که از روی نظر ممکن باشد؛ «مثلاً» اگر بگویید در آن طرف قمر کره ها و وادیه ها وجود دارند یعنی در آن طرفی که هیچگاهی بزمین مقابل نمی شود، زیرا همیشه همین یکطرف قمر بزمین مواجه بوده تغییر نمی کند. این کلامی است که صلاحیت قضیه شدن را دارد برغم اینکه ما الان وسیله ایراجت تحقیق فعلی داریم، مع ذلك میتوانیم نوع معطیات حسیه بی را که در حالت صحیح بودن کلام به شاهد واقع میگردد، تصور کنیم و چون رسم صورت متوقعه بطور نظری ممکن می باشد پس از نگاه منطقی این امر بسیار مهم نیست که مطابقت صورت مرسومه به واقع فعلاً ممکن باشد یا نباشد (۱)

منطق فلسفه وضعی منطقی:

منطق تقابلی از فکر سلیم طوری که باید باشد بحث میکرد: یعنی از علوم معیاری (Normative) بشمار میرفت و جزء فلسفه و یا آلت و یا جزء آلت هر دو محسوب میگردد. ولی منطق از نظر فلسفه وضعی منطقی خود فلسفه است چه آنان فلسفه

حس میکند حال آنکه منع درد وجود ندارد و روی همین ملاحظه دیکارت معتقد شد که حواس باطنی نیز دستخوش اشتباه می شود، پس چگونه می توان بر صحت معلوماتی که از طریق حس بدست می آید اعتماد نمود!

اما استاد آیر (Ayer) که از فلاسفه وضعی منطقی است اینگونه اشتباهات حسی را ناشی از اشتباه در استدلال می داند و آنکه برجی از نزدیک مربع و از دور مدور نمایان می شود، در واقع همانطور هست و کسی که در این مورد فریب می خورد فریب وی زاده تجاربش نبوده بلکه معیار استدلال غلطی است که بر تجارب خویش بنا کرده است، چه او فرض میکند که برج در تمام احوال مدور است و چون آنرا از نزدیک مربع می بیند که فریب حواس را خورده است و فکر میکند که اگر چه شرایط و مرقف بیننده تغییر کند باز هم شی حالت بخصوص خود را برای همیشه حفظ میکند و این اندیشه ای است که عقل و تجربه از پذیرفتن آن ابناء می ورزند.

بنابراین بصورت خلاصه می توان گفت که فلاسفه وضعی منطقی - استنباط عقلی را تنها در ریاضیات معتبر شمرده حس را ایگانه منبع معرفت انسانی می دانند.

فلاسفه وضعی منطقی و مشکل ارزش ها (Values):

فلاسفه راجع به چگونگی ارزش ها که عبارتند از حق و خیر و زیبایی باهم اختلاف نظر دارند برخی از آنان ارزش ها را صفت عینی اشیاء دانسته میگویند، از عقل درك کننده جدا و مستقل است و برخی دیگر را عقیده بر این است که ارزش ها مولود ذهن بوده از عقل درك کننده وجود مستقل ندارند.

فلاسفه وضعی منطقی قایل به نسبت ارزش ها شده اند و استاد آیر (Ayer) در این مورد میگوید تقییم (Value Judgement) احکامی است که احتمال صدق و کذب را ندارد، بلکه از شعور ذاتی (۱) تعبیر میکنند. بنابراین قضیه ای که از ارزش تعبیر میکند نه تحصیل

گزارش‌های پژوهشی ادبیات و علوم بشری

بازدید از مؤسسه هنرهای زیبا

بتاریخ ۱۴ حوت ۱۳۴۶ دکتور علی احمد پوپل معاون اول صدارت عظمی و وزیر معارف ضمن بازدید شان از بخش‌های مختلف پوهنتون کابل، بمعیت پوهنوال توریالی اعتمادی رئیس پوهنتون و پوهاند غلام حسن مجددی رئیس پژوهنخی ادبیات و علوم بشری و عدده دیگر از منسوبین پوهنتون از کورسهای رسامی و مجسمه سازی مؤسسه هنرهای زیبای پژوهنخی ادبیات و علوم بشری دیدن کردند.



چینیکه دکتور پوپل از کارهای عملی موه سسه هنرهای زیبا دیدن میفرمایند. در عکس فوق پوهنوال توریالی اعتمادی رئیس پوهنتون و بناغلی حیدر زاد معلم مجسمه سازی نیز دیده میشوند.

ماورالطبیعه را از مجال بحث دور کردند و منطق روشی برای بحث در اینگونه فلسفه بود، اما منطق بدست ارباب فلسفه وضعی منطقی آلت علوم گردید و از همین جاست که برای علوم تجربی اهمیت فراوان دارد.

منطق وضعی تمام الفاظ و عباراتی را که به افراد جزئی در عالم واقع اشاره نکنند از دایره بحث خود بدور می افکنند به جوهرشی اعتنا کرده، مفهوم شیء عبارت از صفات حسی آن بوده، از نظر این منطق اسم کلی مفهومی ندارد.

این بود چند نکته بسیار مختصر راجع به اصل کتاب منطق وضعی و مؤلف آن و فلسفه اینکه کتاب موصوف بر اساس آن نگاشته شده است. اما راجع به مترجم فاضل آن که پوهاند غلام حسن مجددی رئیس پوهنځی ادبیات و علوم بشری اند میتوان گفت ایشان یکی از دانشمندان افغانستان می باشند که سالیان متمادی از عمر خود را در تدریس منطق گذرانیده و در این رشته از معرفت بشری، بر علاوه رشته های دیگر، ید طولی دارند و کتاب مزبور را با امانت و دقت تا آنجا که در تحت شرایط موجود امکان داشت ترجمه کرده اند؛ حتی اینجانب که در پوهنځی ادبیات و علوم بشری بحیث یک طالب علم انجام وظیفه میکنم، ناظر امانت و دقت ترجمه ایشان بودم. بطور مثال میتوان در اینجاست که در دو جای کتاب ابهامی وجود داشت و مترجم محترم به سابقه امانت داری موضوع را کتباً به خود مؤلف، که فعلاً در قید حیات میباشد، اطلاع دادند و از وی توضیح خواستند و در نتیجه مکتوبی بقلم خود مؤلف که ابهام را مرتفع ساخت به مترجم موصلت کرد.

مترجم فاضل، این کتاب مشکل را بزبان دری روان در آورده و اصطلاحات علمی را با کمال صحت و دقت نگه داشته و باین وسیله گنجینه تازه ای از معرفت فلسفی بر ذخایر علمی زبان دری افزوده اند.

در پایان میخواهم بگویم که کتاب منطق وضعی ترجمه پوهاند غلام حسن مجددی اثری است مفید و مغتنم که بکمال صحت و امانت از عربی ترجمه شده و قابل استفاده شایان میباشد. بنده مطالعه آنرا به دوستانان علم و معرفت بشری، مخصوصاً آنانیکه به فلسفه و منطق علاقه خاص دارند توصیه می نمایم. والسلام

«پوهنوال غلام صفدر پنجشیری»



بتاریخ ۱۴ حوت ۱۳۴۶ دکتور علی احمد پوپل معاون اول صدارت وزیر معارف ازپو هنتون کابل د یلن فرمودند .
این عکس بناغلی د کتور پوپل و ابار نیس پو هنتون و روسای پو هنځی هادر مرکز پو هنتون نشان میدهد .

حین بازدید دکتور پوپل از کار عملی محصلان شامل این کورسها از طرف پوهاند مجددی رئیس پوهنځی و بناغلی حیدرزاد معلم کورس مجسمه سازی در هر قسمت توضیحات لازم بعرض میرسید. دکتور پوپل از انکشاف مؤسسه هنرهای زیبای پوهنځی ادبیات و علوم بشری اظهار رضایت نموده و کارهای محصلان شامل این کورسها راقناعت بخش خواندند.

فارغ التحصیلان امسال پوهنځی ادبیات

به جلالتمآب معاون اول صدارت عظمی وزیر معارف معرفی شدند

فارغ التحصیلان شعب مختلف پوهنځی ادبیات بعد از ظهر روز شنبه ۶ دلو ۱۳۴۶ توسط دکتور محمد صدیق معاون ریاست پوهنتون کابل و پوهاند غلام حسن مجددی رئیس پوهنځی ادبیات و علوم بشری به دکتور علی احمد پوپل معاون اول صدارت عظمی وزیر معارف معرفی گردیدند.

دکتور پوپل ضمن معرفی فارغ التحصیلان را مخاطب قرار داده گفتند: وظایف آینده شما که تعلیم و تربیه اولاد کشور می باشد، مسؤولیت شمارا در برابر جامعه بزرگتر میسازد و ضمناً به ایشان تذکر دادند که شما هر یک وظیفه دارید تا ذخیره علمی و اندوخته ثقافتی تانرا در پیشرفت و اعتلای مملکت به کار ببرد و از طریق رفع مشکلات موجوده مصدر خدمتی شوید.

دکتور پوپل از خدمات استادان داخلی و خارجی و زحمات ایشان در تعلیم و تدریس فارغ التحصیلان ابراز تشکر نموده موفقیت فارغ التحصیلان را آرزو نمود.

در اخیر یک نفر از فارغان به نمایندگی از همقطاران خود از توجه حکومت و مساعی وزارت معارف و پوهنتون کابل در تعلیم و تدریس ایشان اظهار قدردانی کرد.

فارغان شعبه ژورنالیزم به وزیر اطلاعات و کلتور معرفی شدند

فارغ التحصیلان دوره چهارم شعبه ژورنالیزم پوهنځی ادبیات و علوم بشری ساعت سه و نیم بجه روز یکشنبه ۷ دلو توسط پوهاند غلام حسن مجددی رئیس پوهنځی ادبیات و علوم بشری به دو کتور محمدانس وزیر اطلاعات و کلتور معرفی گردید.

دکتور محمدانس فارغان را مخاطب قرار داده اظهار نمودند که به اساس قانون اساسی و پیروی از دین و کراسی در زندگی اجتماعی، کوشش مشترک مردم رول بزرگی را داراست که البته برای برآورده شدن چنین منظوری تشویق ژورنالستان سهم بزرگی دارد. در مقابل دونفر از فارغان به نمایندگی از همقطاران خویش آمادگی خود ها را برای هرگونه خدمت و فعالیت ابراز نمودند.

فعالیت های سال ۱۳۴۶ مدیریت نشرات

مدیریت نشرات از بدو تأسیس تا امروز علاوه از نشر مجله ادب، وزمه، جغرافیا و مواد درسی، در زمینه نشر آثار علمی و تحقیقی مؤرخان و محققان و ترجمه آثار مفید و ارزنده از منابع خارجی که به کمک استادان و همکاران محترم این پوهنځی انجام یافته، نیز گامهای متینی برداشته است.

در این شماره میخواهیم تنها فعالیت های سال ۱۳۴۶ مدیریت نشرات را باختصار بمطالعه خوانندگان ادب برسانیم. مدیریت نشرات پوهنځی ادبیات و علوم بشری در سال ۱۳۴۶ با وجود یکسلسله مشکلات، تا حد امکان کوشیده است تا در قسمت طبع و نشر مجله ادب، گسترش نوتهای درسی استادان، نشر یک تعداد کتب مفید علمی و ادبی از مساعی خود دریغ ننماید. این فعالیتها را میتوان در چند بخش ارائه نمود:

۱- طبع کتب درسی و یا ممد درسی: در سال ۱۳۴۶ مدیریت نشرات موفق به طبع

دو اثر مفید علمی و ارزنده شد:

الف: جزء اول منطق وضعی تألیف دکتور زکسی نجیب محمود که توسط

پوهاند غلام حسن مجددی ترجمه گردیده است.

- ب: متون منظوم و منثور کلاسیک صنف اول در (۴۶) استنسل که توسط پوهنیار محمد حسین راضی تدریس میشد .
- ج: تاریخ ادبیات دری تألیف پوهیالی عبدالقیوم قویم در (۹۶) استنسل که در دیپارتمنت دری تدریس میشود .
- د: جیومورفولوجی در (۳۷) استنسل که توسط پوهنمل غلام جیلانی عارض در دیپارتمنت تاریخ و جغرافیه تدریس میشود .
- ه: اقلیم شناسی در (۳۹) استنسل که توسط پوهنمل غلام جیلانی عارض در دیپارتمنت تاریخ و جغرافیه تدریس میشود .
- و: تاریخ قرن بیست در (۷) استنسل که توسط آقای سردار عزیز نعیم در دیپارتمنت ژورنالیزم تدریس میشود .

۶- ترتیب مونیوگرافها:

به تعداد (۲۳۴) جلد مونیوگراف فارغان سالهای گذشته که تا حال بطور پراکنده موجود بود، تمام آنها بصورت فنی کتلاک و ترتیب گردیده است که فعلاً همه آنها مورد استفاده استادان و مراجعین قرار دارد.

این بود مختصری از فعالیت های سال ۴۶ مدیریت نشرات پوهنخشی ادبیات و علوم بشری که جهت مزید معلومات خوانندگان ارجمند ادب تقدیم گردید.

انکشاف سربیع مؤسسه هنرهای زیبای

پوهنخشی ادبیات و علوم بشری

پوهنخشی ادبیات و علوم بشری از چندین سال باینطرف میکوشید تا مؤسسه بنام هنرهای زیبا در چوکات این پوهنخشی تأسیس کند. این آرزو در شروع سال تعلیمی ۱۳۴۵ جامه عمل پوشید و مؤسسه بنام هنرهای زیبا در داخل چوکات پوهنخشی تأسیس گردید، که شامل کورسهای نقاشی، رسامی، مجسمه سازی، خطاطی و موسیقی (شرقی و غربی) میباشد.

منظور از تأسیس این کورسها انکشاف استعدادها و ذوق محصلان پوهنخشی های

ب - طبع مجدد گفتار روان در علم بیان تألیف پوهاند ملک الشعراء استاد بیتاب.

۲- کتب ذیل برای چاپ آماده ساخته شده است :

الف : قراخطایها اثر بار تولد ترجمه پوهنوال علی محمد زهما .

ب : فلسفه علوم اثر داکتر زکی نجیب محمود ترجمه پوهاند غلام حسن مجددی .

۳- کتب ذیل بعد از تجدید نظر برای چاپ دوم آماده ساخته شده است :

الف : علم بدیع تألیف پوهاند ملک الشعراء استاد بیتاب .

ب : عروض و قافیه « « « «

ج : علم معانی « « « «

۴- نوتهای درسی ذیل استنسل و گسترش شده است :

الف : قسمت اول روحیات در (۱۳) استنسل که توسط پوهاند میرامان الدین

انصاری تدریس میشود .

ب : قسمت دوم متن های دری تألیف محمد نسیم نگهت سعیدی در (۳۸) استنسل .

ج : علم و نظام اجتماعی تألیف غلام علی آیین در (۱۹۸) استنسل .

د : قانون مطبوعات در (۹) استنسل از دیپارتمنت ژورنالیزم .

ه : رادیو ژورنالیزم در (۱۳) « « « «

و : ژورنالیزم در (۹) « « « «

ز : قسمت دوم روحیات تألیف پوهاند میرامان الدین انصاری در (۲۲) استنسل .

ح : علم بیان تألیف پوهاند ملک الشعراء استاد بیتاب در (۱۷) استنسل .

ط : ژورنالیزم در (۱۰) استنسل از دیپارتمنت ژورنالیزم .

ی : کنفرانس های ژورنالیزم در (۱۳) استنسل از دیپارتمنت ژورنالیزم .

ک : سؤالات امتحان نهایی سال ۱۳۴۶ در (۱۶۶) استنسل تایپ و در (۱۳۰۶۵)

ورق گسترش شده است .

۵- نوتهای درسی که استنسل آنها تکمیل شده و آماده گسترش می باشد :

الف : شرح احوال ، افکار و آثار بیدل ، مؤلفان پوهاند غلام حسن مجددی

و قیام الدین راعی در (۵۲) استنسل که در صنف سوم دری تدریس میشود .

مورد ضرورت اقداماتی بعمل بیاورد.

در آغاز سال ۱۳۴۶ دوباره فعالیت این کورسها بصورت منسجم تر آغاز گردید و يك تعداد محصلان، با ذوق و علاقه سرشار شروع بکار نمودند و وسایل لازمه نیز به شاگردان تهیه دیده شد. که این همه انکشاف و تحول را درین کورسها میتوان نتیجه توجه خاص پوهاندمجددی رئیس پوهنځی و پشتکار و مجاهدت پیگیر بناغلی حیدرزاد معلم مجسمه سازی و رسامی این مؤسسه دانست. بناغلی حیدرزاد با علاقه ناگسستی که به هنر خود داشته اند در تشویق شاگردان این مؤسسه نقش مهمی را ایفاء کرده اند. درینجا باید یادآور شد که کمک هایی که ذریعه مؤسسات داخلی و خارجی به این کورسها شده است، بعلاوه پیش بینی های پوهنځی ادبیات، تماس های شخصی بناغلی حیدرزاد درین قسمت نیز مؤثر بوده است.

کمک هایی که از طرف مؤسسات مختلف داخلی و خارجی به مؤسسه هنرهای زیبا شده است شامل این مواد میباشد:

۱- سه پایه رسامی ساخت مکتب صنایع کابل به تعداد چهار دانه بکمک مؤسسه ایشیا فونڈیشن.

۲- میز متوسط مجسمه سازی ساخت فابریکه جنگلک به تعداد ده پایه به کمک مؤسسه ایشیا فونڈیشن.

۳- میز بزرگ مجسمه سازی ساخت فابریکه جنگلک به تعداد چهار پایه به کمک مؤسسه ایشیا فونڈیشن.

۴- يك اسکلت انسانی برای تمرین اناتومی و استخوان بندی انسانی از طرف پوهنځی طب پوهنتون کابل.

۵- ماشین مخلوط کردن گل مجسمه، ساخت جرمنی به کمک مؤسسه ایشیا فونڈیشن. تهیه این مواد، فعالیت کورس های رسامی و مجسمه سازی هنرهای زیبا را سرعت بخشید و علت تقویت ذوق شاگردان در ادامه این کورسها واقع شد.

مختلف پوهنتون کابل در بخش های مختلف هنرهای زیبا است، تا محصلان از یک طرف با اشتراك در چنین کورسها نخستگی های دروس مختلف را رفع کنند و از طرف دیگر با آموختن انواع مختلف هنرهای زیبا عملاً درین قسمت نتایجی بدست بیاورند، و استعدادهای هنری خود را پرورش دهند.



گوشه از باز دید پوهاند غلام حسن مجددی رئیس پوهنځی ادبیات و علوم بشری از جریان کارهای عملی مؤسسه هنرهای زیبا. در عکس فوق پوهاند میر حسین شادمعاون پوهنځی و بناغلی حیدر زاد معلم مجسمه سازی نیز دیده میشوند.

کورسهای مجسمه سازی و رسامی :

کورسهای مجسمه سازی و رسامی مؤسسه هنرهای زیبای پوهنځی ادبیات و علوم بشری پوهنتون کابل در اوایل سال ۱۳۴۵ با سایر کورسهای مربوط به این مؤسسه در چوکات پوهنځی ادبیات افتتاح شد.

در سال اول تأسیس آن، تعداد محصلان شامل این دو کورس به ۲۷ نفر میرسید، که با وسایل خیلی ساده به مشق و تمرین آغاز کردند. علاقه سرشار محصلان در ادامه این کورسها بر آن شد. تا پوهنځی ادبیات و علوم بشری در تهیه و ترتیب سامان و لوازم

ما و خوانندگان

درین شماره نامه یکی از دوستان اران «ادب» بمارسید که درباره یکسلسله غلطی های چاپی که در مضمون ایشان تحت عنوان «منظومه اصغر در قواعد تعمیم» در شماره گذشته وجود داشته، یادآوری کرده اند، که این تذکر ایشان باعث مسرت ما شد و این، ما را بران میدارد تا در نشرات آینده خود ازین نگاه دقت نظر بیشتر داشته باشیم. متن نامه نویسنده محترم را جهت وضاحت بیشتر مطلوب درینجا درج میکنیم:

«عالیقدر محترم مدیر فاضل مجله ادب!

در طبع منظومه «اصغر» اثر مولانا جامی که در شماره اخیر آن مجله گرامی درج شده، اشتباهات و اغلاطی رخ داده است که قابل جلب توجه میباشد، خواهشمندم در شماره آینده با درج سطور ذیل که بمنظور تصحیح اغلاط مزبور تقدیم می شود، بر امتنان من بیفزایند. با احترام

علی اصغر بشیر هروی

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۵۷	۴	مترجم	مصحح
۶۰	۱۳	آریانا	ادب
۶۴	۹	قرن	خون
۶۴	۸ (حاشیه)	صبری	صبر
۶۶	۱۱ (حاشیه)	شیعه	سبعه
۶۶	۱۳ (حاشیه)	ای	-
۶۷	۸	چهارم	چارم
۶۸	۶	عیسی	عیشی
۶۸	۳-۶-۹ (حاشیه)	عجو	بمحو

فعلاً به تعداد بیشتر از «۲۰» نفر محصلان در کورس های زمستانی مؤسسه هنرهای زیبای پوهنخی ادبیات و علوم بشری مشغول آموختن تکنیک های هنر مجسمه سازی و رسامی تحت هدایت و رهنمایی استاد کورس میباشند و با استفاده از ایام تعطیل در انکشاف و تقویت استعداد های هنری خود ، مساعی بخرج میدهند.

با آغاز سال تعلیمی ۱۳۴۷ کورسهای مجسمه سازی ، نقاشی ، و رسامی مؤسسه هنرهای زیبای پوهنخی ادبیات و علوم بشری ، شاگردان بیشتری را که بتوانند بصورت مداوم و با علاقه تمام این کورسها را ادامه بدهند ، خواهد پذیرفت .

ادب : نظر به نقش مؤثری که این مؤسسه در انکشاف و تقویت استعداد های مختلف محصلان دارد و میتواند عامل بزرگ در انکشاف هنر های ملی ما گردد ، مؤفقیت و پیروزی بیشتر این مؤسسه را آرزو مند است .

نتایج امتحانات

امتحان سالانه ۱۳۴۶ پوهنخی ادبیات و علوم بشری که بتاريخ اول جدی تحت نظر استادان داخلی و خارجی و ممیزین آغاز گردیده بود ، بتاريخ ۲۷ جدی ۱۳۴۶ خاتمه یافت . درین امتحان (۵۴۲) نفر محصلان دیپارتمنت های مختلف پوهنخی اشتراک ورزیده بودند .

فارغ التحصیلان سال ۱۳۴۶

در سال ۱۳۴۶ از صنوف چهارم دیپارتمنت های مختلف پوهنخی ادبیات و علوم بشری ، بعد از گذشتادن امتحانات نهایی ، بدین تعداد فارغ التحصیل شده اند :

دیپارتمنت زبان و ادبیات پښتو	(۱۵) نفر
دیپارتمنت زبان و ادبیات دری	(۱۶) نفر
دیپارتمنت تاریخ و جغرافیه	(۱۶) نفر
دیپارتمنت ژورنالیزم	(۱۷) نفر
دیپارتمنت زبان و ادبیات فرانسوی	(۳) نفر

فهرست موضوعات منتشره در شماره های
ژوئیه سال ۱۳۴۶ مجله ادب

شماره صفحه	نویسنده	مباحث تاریخی:
۹	۲-۱	۱- تاریخ چیست؟ تاریخ بحیث پیشرفت و ترقی
		۲- نخستین امپراطور یها در دامن هندو کش
۳۷	۲-۱	و ظهور اسلام در آسیای مرکزی
۱	۴-۳	۳- تاریخ چیست؟ افق رو به توسعه
		مباحث تئوری ادبیات:
۹۰	۲-۱	۱- نظریات ادبی
۲۹	۴-۳	۲- تئوری نقد ادبی
۲۲	۵	۳- جهان بینی و روشهای ادعای
۷۹	۶	۴- «موضوع» و «شکل» در آثار ادبی
۶۶	۶	۵- روش تحلیل داستان
		مباحث ادبی:
۳	۲-۱	۱- به یاد و بود علامه اقبال
۵۱	۲-۱	۲- سبک هندی و شرفارسی
۴۴	۴-۳	۳- غنی کشمیری (۱)
۶۹	۴-۳	۴- ابو الفتح بستى و تأثیر شعروى در...
۱	۵	۵- غنی کشمیری (۲)
۳۹	۵	۶- ادبیات عامیانه دری (۱)
۵۷	۵	۷- منظومه اصغر در قواعد تعمیمه
۷۵	۵	۸- بعضی مسأله های ترجمه حال رودکی
۴	۶	۹- سیری در مثنوی مولینا
۳۰	۶	۱۰- غنی کشمیری (۳)
۱۵	۶	۱۱- هنر اسلامی
۵۷	۶	۱۲- ادبیات عامیانه دری (۲)
۲۱	۶	۱۳- معارف و تعلیمات مولینا

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۶۸	۶ (حاشیه)	بعد از آنست حرف « که » افزوده شود	
۶۸	۱۱ (حاشیه)	عیسی	عیشی
۶۹	۴	کس از دخل	کش از دخل
۶۹	۷ (حاشیه)	باز آن	بازاء آن
۷۰	۱۰ (حاشیه)	معنوی	معنی
۷۳	۱۳ (حاشیه)	گشت	گشته
۷۴	۲	صبرجان	صبروجان

اغلاطی که عجالنا بظن رسید با صورت صحیح آنها تقدیم شد . با احترام

علی اصغر بشیر هروی

این غلطنامه نویسنده محترم ، مدیریت مجله ادب را به حیرت واداشت که چگونه « ادب » را « آریانا » نگاشته و « معنی » را « معنوی » ساخته است ؛ بنابراین با وظیفه ، مدیریت مجله غلطنامه را با اصل مضمون بناغلی هروی مقابله کرد ، و در نتیجه معلوم شد که بجز از چهار کلمه ، صبر ، چارم ، گشته ، و صبروجان که مغایر اصل مضمون به طبع رسیده دیگر همه به همان صورتیست که در اصل مضمون بناغلی هروی نگاشته شده است . این حقیقت مبین آنست که اکثر و مهمترین غلطی های واقع شده ، اهمال کارکنان مجله ادب نبوده است . با آنهم کارکنان مجله ادب در آینده مساعی بیشتر بخرج خواهند داد تا اشتباهات کوچک طباعتی نیز در صفحات مجله ادب مشاهده نشود .

آرزو مندیم که یاد آوریهای مفید دوستان « ادب » رهنمای کارهای نشراتی آینده ما باشد .

do for her. The goat told him that she had a big fight ahead of her that day with the wolf and she would like her horns sharpened. The black smith was so grateful for the milk that he at once got busy and fixed two sharp blades of steel on her horns. The goat then, went to meet the wolf.

The wolf had stayed late that night with his guest, and by the time he woke up the sun was half way up in the sky. He yawned and rubbed his eyes. All of a sudden he remembered that he had to go and fight the China Goat.

He was sure of victory, no doubt, however, in order to be fully prepared, he went to the black smith to have him sharpen his teeth. When he reached the shop, he growled in an angry tone, and said:

“Eh, you! Get busy and sharpen my teeth. I have a fight ahead of me today and I wish to be fully prepared”.

“Who is the unlucky challenger?” asked the black smith.

“Oh, it is just a silly goat.” the wolf answered gruffly. “She calls herself the China Goat. She thinks I have eaten her kids. I wish I could have, but they ran away before I could get at them. She is not much of a challenge. I am sure I can eat her up with one gulp. I do not wish, however, to take chances.”

“Yes,” said the black smith. “one must never take chances. However, in order to be sure of victory you better go to the orchard, and eat as many plums as you can, and afterwards keep your mouth wide open against the wind for a while, and then come to me. I will sure fix your teeth and sharpen them such that you may tear a loin apart.”

The wolf went to the orchard. The plums were sour. As was instructed, he ate as many plums as he could and kept his mouth wide open against the wind for a while. When he returned the black smith pulled his teeth one by one, and filled the cavities with cotton. The muscles in the wolfs’ mouth were so numb that he did not realise what was being done to him.

Growling with fury, he went to meet the goat. The minute he saw the goat he charged with all the force he had. As he tried to sink his teeth in the goats’ throat, the cotton stuffed in the cavities fell. No harm was done to the goat. And now it was the goats’ turn to charge. She went a few steps forward and a few steps backward and again forward and was all set to charge. The wolf knew that he was disarmed, and that the sharp blades on the goats’ horn would finish him off. He had four legs and from fright he wished he could have four more and run for his life. He swiftly took off and in a minute he was out of sight.

Angak, Bangak, and Kolola Sangak, who were hidden in the hole so far, came out running to their mother. You can imagine how delighted the goat was to see all her kids safe and alive.

صفحه شماره	نویسنده	مباحث انتقادی:
		۱- منتخب سرشکهای جوانی و گلهای سرشک
۹۰ ۴-۳	بناغلی راعی	
۹۳ ۴-۳	ل. کسیلوا	۲- نگاهی به ادبیات معاصر در افغانستان
		۳- منتخب اشعار استاد محمد انور بسمل
۸۴ ۵	بناغلی حبیب	
۹۸ ۶	پوهنوال پنجشیری	۴- کتاب منطق وضعی
		مباحث علمی :
		۱- اندیشه ترقی
۷۳ ۴-۳	پوهندوی آیین	
۷۸ ۴-۳	ل. کسیلوا	۲- طریقه تدوین اطلس زبانشناسی

Afghan Folk literature:

- 1- The three sons of Mohammed yar. No,5 By: prof. M.A. Ansary, p. 1
- 2- The Agreeable man. No,5 By: Hafizullah Baghban, p. 4
- 3- The China Goat. No,6 By: Prof. M.A. Ansary, p. 1

رفت و آمد

پوهنیار محمد حسین راضی سابق استاد و مدیر نشرات پوهنځی ادبیات و علوم بشری تحت پروگرام فواید ایتضاح متحده امریکا جهت تحصیلات عالی در رشته ژورنالیزم روز پنجشنبه ۱۱ دلو ۱۳۴۶ عازم ایالات متحده امریکا گردید. پوهنیار راضی تحصیلات خود را در یونیورسیتی اندیانا ادامه میدهند.

«ادب» موفقیت کامل پوهنیار راضی را که در دوره تصدی ایشان به مدیریت نشرات، مجله ادب از نظر سویی علمی و ادبی به تکامل پرارجی نایل آمد، از بارگاه ایزدی تمنا میبرد.



بناغلی عبدالرزاق نجاح عضو تدریسی پوهنځی ادبیات و علوم بشری تحت پروگرام کولمبو جهت تقویه زبان انگلیسی روز یکشنبه ۷ دلو ۱۳۴۶ عازم استرالیا گردید.

I've not devoured your Kolola Sangak.
I neither have the bow,
Nor the arrow,
And I shall not come to fight you tomorrow,
For I am a poor jackal,
Who only feeds on corpses."

The goat, then, proceeded to the den of the second beast. With one big jump, she leapt atop the roof and stamped as hard as she could. A voice roared from below:

"Who is stamping on my shaky roof?
Disturbing my peace at night,
Causing dust to fall,
My delicious soup to spoil,
And blind the eyes of my honored guest?"

The goat replied:

"I'm the China Goat!
With two sharp horns above my nose,
And a long goatee beneath my chin.
Who has eaten my Angak ?
Who has eaten my Bangak ?
Who has devoured my Kolola Sangak ?
Who has the bow ?
Who has the arrow ?
And who is brave to come and fight me tomorrow ?"

The beast roared from below:

"I've not eaten your Angak,
I've not eaten your Bangak,
I've not devoured your Kolola Sangak.
I neither have the bow,
Nor the arrow,
And I shall not come to fight you tomorrow,
For I'm the mighty loin,
The king of all the beasts,
Who never molests young, innocent kids!"

The goat then proceeded to the den of the third beast. With one big jump, she leapt atop the roof and stamped as hard as she could. A voice growled from below:

“Who is stamping on my shaky roof?
Disturbing my peace at night?
Causing dust to fall,
My delicious soup to spoil,
And blind the eyes of my honored guest?”

The goat replied:
“I am the China Goat!
With two sharp horns above my nose,
And a long goatee beneath my chin.
Who has eaten my Angak?
Who has eaten my Bangak?
Who has devoured my Kolola Sangak?
Who has the bow?
Who has the arrow?
Who is brave to come and fight me tomorrow?”

The beast growled from below:
“I’ve not eaten your Angak,
I’ve not eaten your Bangak,
I’ve not devoured your Kolola Sangak.
Oh, how I wish I could have eaten them all!
However, I’ve the bow,
I’ve the arrow,
And I’ll come to fight you tomorrow,
For I am known as the big, bad wolf,
Who never refuses a challenge.
Go away now, and be prepared for tomorrow!”

“He sure sounds mean.” said the goat to herself. “He must be the one, who has eaten my kids!” She went away, fully satisfied that she had found the real foe.

She did not, however, go home that night, for she dreaded the thought of an empty house. She rested at a neighbors’ house that night and early the next morning she went to the black smiths’ shop.

“Good morning!” she said as she entered the shop.

“Good morning, China Goat!” the black smith said in a pleasant voice. “It seems that you have not been milked yet.” he added joyfully.

“I have saved my milk for you.” The goat said.

“How wonderful! I had a yearning for milk this morning.” The black smith milked the goat and as he finished milking, he asked the goat what he could

Afghan Folk Literature

THE CHINA GOAT

by: prof. M. A. Ansary

Once, they say, there was a goat, who called herself the China Goat. She had three kids: Angak, Bangak, and Kolola Sangak. One day, early in the morning, she went out to the mountain for grazing, and left the kids behind. The kids busied themselves in running and racing, when all of a sudden, the big, bad wolf came by in search of prey. At the sight of the kids he was so delighted. He said to himself, full of appetite and zeal: "At long, last, I'll have a square meal!"

The kids were really frightened, and ere the wolf could attack, they hurriedly crept in the narrow hole of the oven duct and stayed there, safe and snug.

In the evening the China Goat returned and to her great despair, she saw no sign of Angak, Bangak, or Kolola Sangak. She thought, "Some cruel beast must have devoured all." She was determined to find and find out quick, so that she may avenge the cruel deed. Full of sadness, mixed with wrath, she hurriedly left the house. She went and searched, and searched until she reached the den of the first beast. With one big jump, she leapt atop the roof, and stamped as hard as she could.

A voice howled from below:

"Who is stamping on my shaky roof?
Disturbing my peace at night,
Causing dust to fall,
My delicious soup to spoil,
And blind the eyes of my honored guest?"

The goat replied:

"I'm the China Goat!
With two, sharp horns above my nose,
And a long goatee beneath my chin!
Whp hos eaten mp Baugah;
Who has eaten my Angak?
Who has eaten my Bangak?
Who has devoured my Kolola Sangak?
Who has the bow?
Who has the arrow?
And who is brave to come and fight me tomorrow?"

The beast howled from below:

"I've not eaten your Angak,
I've not eaten your Bangak,